

<"xml encoding="UTF-8?">

بسم الله الرحمن الرحيم



چهارم شعبان، یادآورِ خاطره ای شاد و به یادماندنی از تولد نوزادی با چهره ای زیبا و شأنی والاست؛ روزی که خانه کوچک علی علیه السلام بار دیگر ستاره باران شد و تحفه ای دیگر از سوی پروردگار بزرگ به ایشان ارزانی گشت. روز درخششِ ماهِ بنی هاشم، پسر امّ البنین علیهاالسلام بانوی فداکار علی علیه السلام روزِ شادمانی شهر مدینه و فرزندانِ علی بن ابی طالب علیه السلام .

عباس می آید

عباس آمد تا حسین علیه السلام تنها نباشد. آمد تا درس جوان مردی به جهانیان بیاموزد. آمد تا برادری را معنا کند، وفا را شرح دهد، ایثار را الگو باشد، شجاعت را تفسیر کند و دلاوری را مصداقی والا گردد. عباس آمد تا یاد و خاطره پدر را برای همیشه در اذهان مردم زنده نگه دارد؛ دلاوری علی و حمایت او را از دین، سال ها بعد از پدر احیا کند. عباس آمد تا یار و همراه حسین علیه السلام گردد و در کنار او بماند. **عباس یعنی عشق، فداکاری، برادری و برادر یعنی عبّاس.**

روز شور و صفا

جمعه، چهارمین روز شعبان سال 26 ق است که هلهله شیفته گان امیرمؤمنان علی علیه السلام کوچه های بنی هاشم را لبریز از شور و صفا کرد. خانه محقّر مولا و همسرش فاطمه کلابیه، آغوش خود را به روی دیدارکنندگان سیمای طفل نورسیده باز کرد و یکایک آنان را در خود جای داد. امام فرزند دل بند خود را به سینه چسبانید و او را بوسه محبت زد. ابتدا در گوش راستش اذان و سپس در دیگر گوش کودک اقامه گفت و با این کار، در نخستین لحظه های حیات او، بذره های پاک بندگی افشانده شد و در گلستان وجود او، شاخسار ایمان و عشق به «توحید» و «نبوت» نمایان گردید تا در همیشه تاریخ، همگان از سایه سار «ولایت» وی بهترین بهره ها را از آن خویش سازند.

نام گذاری

نوزادی زیبا؛ فضای خانه علی علیه السلام را عطرآگین ساخته و همه از زیبایی و روشنایی چهره او سخن می گویند. پدر، نگاهی مهربان و عمیق به چهره نوزاد دارد. فاطمه گلابیه منتظر است تا سرور و مولایش علی علیه السلام، نام کودک را برگزیند. سرانجام علی علیه السلام لب به سخن می گشاید و نام فرزند عزیزش را این گونه می گوید: «عباس». «عباس»، یعنی شیر بیشه شجاعت و قهرمان میدان نبرد؛ دلآوری دریادل از شجاعان اسلام، قهرمانی عبوس و خشمگین در برابر باطل و شادان و متبسم در مقابل نیکی ها و خوبی ها.

هفتمین روز میلاد

هفتمین روز میلاد عباس کوچک فرارسیده بود که علی علیه السلام فرزند خود را طلبید، لبان خویش را به یاد خدا مترنم ساخت و طبق سنت اسلام، موهای زیبای آن ماه رو را تراشید و هم وزن آن طلا یا نقره به مستمندان صدقه داد. سپس گوسفندی ذبح کرد تا به برکت آن صدقات و این قربانی، پیکر پاک عباس پابرجا و سالم مانده و روزهای زندگانی اش، سرشار از برکتی جاودان باشد.

انتخابی مناسب

سپیدی سیرت و زیبایی صورت کودک زیبای امام علی علیه السلام ، بسیاری را برآن داشت که بر بینش علی علیه السلام آفرین گفته و به انتخاب عقیل تبریک گویند. آن ها از روزی یاد می کردند که امام علیه السلام از برادر خود عقیل طلبید تا از بلندای «علم نسب شناسی» نگاهی به قبایل مختلف بیفکند و انگشت اشاره بر بانویی نهد که یارای مادری دلاورانی شجاع و قهرمانانی سرآمد باشد؛ فرزندی قوی دل و پیل افکن که در عرصه های نبرد، استوار بوده و در فردای حوادث رزم آورانی نامور گردند.

بدین گونه، عقیل پس از مدّتی ژرف نگری؛ «فاطمه کلابیه» یا «امّ البنین» را برگزید. هم او که از بانوان فرزانه و ارج مندی بود که معرفتی بس والا نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشت و سراپرده وجودش، پرنور از روشنی عشق و محبت به فاطمه زهرا علیهاالسلام و فرزندان او بود. او خود را خدمت گزاری برای پرستاری حسن و حسین علیه السلام می دانست و عطوفتی بسیار نسبت به زینب و اُمّ کلثوم داشت.

مثلت شخصیت حضرت عباس علیه السلام

به گفته بسیاری از دانشمندان علم روان شناسی، سه موضوع وراثت، تربیت و محیط در پیدایش شخصیت انسان نقش به سزایی دارد این سه عامل درباره شخصیت حضرت عباس در بالاترین و بهترین حدّ خود وجود داشت؛ زیرا ایشان عالی ترین ارزش ها را از پدر ارج مند و مادر پرفضیلتش به ارث برد و در محضر این دو بزرگ وار تربیت یافت و در خانه علی علیه السلام درکنار فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام ، از عالی ترین برنامه های تربیتی برخوردار بود. در مورد عامل محیط نیز، عباس در محیطی رشد یافت که فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام به وجود

آورنده آن بودند؛ محیطی که سراسر نور و صفا و اسلام ناب بود و در آن محیط، جز اخلاق نیک اسلامی و شیوه های ارج مند و ارزش های والای انسانی، چیز دیگری مطرح نبود.

پدر فضیلت

درباره علت نامیدن عباس علیه السلام به ابوالفضل، دو قول آمده است: عده ای گفته اند ایشان را بدان سبب که پسری به نام فضل داشته، ابوالفضل نامیده اند؛ ولی نظر صحیح تر آن است که چون سراسر زندگی درخشان آن حضرت، پر از فضل و فضیلت بود، او را بدین نام خواندند؛ زیرا ابوالفضل یعنی پدر فضیلت ها و ارزش ها.

ماه بنی هاشم

در میان عرب رسم بود که اگر کودکی زیبایی فوق العاده ای داشت و دارای قامتی بلند و چهره ای زیبا بود، او را با عنوان «قمر» یا همان «ماه» می خواندند، مثلاً عبدمناف جدّسوم پیامبر صلی الله علیه و آله را که چهره ای زیبا و نورانی داشت، قَمَر بَطْحَاء (ماه سرزمین مکه) و عبدالله پدر ارجمند پیامبر صلی الله علیه و آله را که سیمای نورانی و چشم گیر داشت، قَمَر حَرَم (ماه حَرَم) می خواندند. به حضرت عباس علیه السلام نیز که از زیبایی ویژه ای

برخوردار بود و قامتی رشید هم چون سرو داشت، قَمَر بنی هاشم (ماه دودمان هاشم) می گفتند. نکته قابل توجه آن است که همه بنی هاشم مردمانی زیبا رو و خوش سیما بودند، ولی عباس چنان سیمای زیبایی داشت که چنین لقب و عنوانی را یافت.

آمد آن ماه که خوانند مَه انجمنش جلوه گر نور خدا از رُخ پرتوفکنش
آیت صولت و مردانگی و شرم و وقار روشن از جلوه تابنده ز وَجْهِ حَسَنش

همراه امام حسن علیه السلام ؛ همراه حسین علیه السلام

با غروب غم انگیز حیات امیرالمؤمنین علیه السلام ، صبح صادق امامت امام حسن علیه السلام و سپس دوران امامت امام حسین علیه السلام آغاز شد. این فصل از زندگانی عباس علیه السلام که بیست سال به طول انجامید، دفتری از فضایل و صفات آسمانی وی بود. در این دوران، همگان او را فردی فروتن، یاری مهربان و سربازی دل سوز می دیدند.

پس از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام ، عباس علیه السلام مشاوری امین و معاونی قابل اعتماد شناخته می شد و همیشه با امام حسین علیه السلام هم راز بود. این صفات چشم گیر با مرگ معاویه و روی کارآمدن یزید، جلوه ای دیگر یافت که سرانجام به کربلا و آن همه رشادت های اشک برانگیز عباس، این دلاور مرد بزرگ عرصه جهاد و شهادت انجامید.

علم و دانش ماه هاشمی

حضرت ابوالفضل علیه السلام که برخوردار از استعدادی شگرف و قابلیت عظیم برای گرفتن معارف الهی بود، نزد استادی درس آموخت که منبع علم الهی، وارث علوم حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و نیز یگانه روزگار در نشر معارف ربانی و تعلیم اخلاق نیکو و احکام اسلام بود. بعد از امیرمؤمنان علیه السلام نیز به امام حسن و امام حسین علیه السلام که بنگریم، آنان را منبع علوم الهی و معلّمان الهی جامعه اسلامی در نشر معارف دین می یابیم، عباس بعد از پدر، لحظه ای از این دو برادر جدا نبود. ابوالفضل علیه السلام زورق نشین دریای علم این دو امام همام بوده و از بی کرانه معارف الهی آنان بسا دُرّهای شاه وار که برچیده بود.

دلّاور نوجوان

در یکی از روزهای جنگ صفّین، نوجوانی که به صورتش نقاب زده و هیبت و شجاعت از آن آشکار بود، وارد میدان مبارزه گشت و همآورد طلبید. کسی حاضر به مبارزه با او نشد تا این که یکی از شامیان که دلّوری های بسیار از خود نشان داده بود، به میدان آمد. وی نخست پسران خود را برای مبارزه فرستاد و هر هفت نفر آنان به دست نوجوان نقابدار شکست را پذیرا شدند و سپس خود او به مصاف رفته و سرنوشتی مشابه پسران یافت. سپاه حضرت علی علیه السلام نیز از این نوجوان رشید که احتمال بسیار می دادند به دلیل دلّوری شایانش از بنی هاشم باشد، در شگفت شدند، ولی به لحاظ نقابِ چهره موفق به شناخت او نشدند. وقتی کار نوجوان دلّاور به پایان رسید و به محل استقرار خود برگشت، پدرش امیرمؤمنان علیه السلام او را فراخواند و نقاب از سیمایش برگرفت و همگان دیدند که آن نوجوانِ دلّاور، کسی غیر از قمر بنی هاشم نیست.

القاب زیبا

لقب، عنوانی است که در اثر ظهور ویژگی هایی از انسان ها به ایشان نسبت داده می شود تا نشان دهنده ویژگی هایشان باشد. با توجه به ابعاد مختلف زندگی حضرت عباس علیه السلام ، به تدریج لقب های متعددی برای ایشان گذاشته شد و مردم با ذکر آن القاب، عظمت اخلاقی آن حضرت را بازگو می کردند؛ القابی مانند مُؤَثِّر (ایثارگر)، فادی (فداکار)، سَقّا (ساقی تشنگان)، الشَّهِید، پرچم دار، السَّاعی (تلاش گر)، الصَّدیق (راستین)، سپهسالار، ظَهْرُ الْوَلایَه (پشتیبان ولایت و امامت)، باب الحوائج (دروازه حاجات)، عبدصالح (بنده نیک)، حامی (حمایت گر)، صَیْغَم و صَرغام (شیر زیان و چابک) و نیز لقب هایی دیگر که عدد آن ها به 21 لقب می رسد.

ازدواج و فرزندان

تاریخ ازدواج حضرت عباس علیه السلام روشن نیست، ولی با توجه به این که آن حضرت هنگام شهادت پدر، حدود چهارده سال داشته اند، می توان حدس زد که ازدواج ایشان در عصر امامت امام حسن مجتبی علیه السلام بوده است. ایشان با «لُبَّابَه» دختر عبیدالله بن عباس که پسرعموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، ازدواج کرد. لُبَّابَه از بانوان ارج مند بود و از حضرت عباس علیه السلام دارای دو فرزند به نام های فضل الله و عبیدالله شد. عبیدالله از عالمان بزرگ به شمار می رفت و در جمال و کمال، گوی سبقت از امثال خود ربوده بود. او در سال 155 ق درگذشت. عالمان علم نسب شناسی اتفاق نظر دارند که نسل حضرت ابوالفضل علیه السلام منحصر در عبیدالله است. فرزند دیگر ایشان نیز به نام فضل الله ، سخن وری فصیح، دین دار و باتقوا، و نیز دلاوری قهرمان و مورد بزرگ داشت بزرگان جامعه اسلامی آن زمان بود.

یادگاری از عباس علیه السلام در ایران

حضرت عباس علیه السلام از اُبابه و دیگر همسرانش، پنج فرزند به نام های **عبیدالله** ، **فضل الله** ، **حسن**، **قاسم** و **یک دختر** داشت و نسل ایشان از جانب عبیدالله ادامه یافت. در این نسل، رادمردان بزرگ و عالمان و فقیهان برجسته ای به وجود آمدند که یکی از آن ها به نام علی بن ابراهیم که نوه آن حضرت است و در قم مدفون می باشد. گنبد و بارگاه این عزیز، با عنوان شاه زاده سیدعلی یا شاه سیدعلی معروف و هر روزه، پذیرای مشتاقان و ارادت مندان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.

ماه هاشمی از نگاه معصومان

از راه های شناخت منزلت والای حضرت ابوالفضل علیه السلام و صفات گران قدر ایشان، احادیث و سخنان پیشوایان دین و ائمه اطهار علیهم السلام است. **امام صادق علیه السلام** در بیان شخصیت والای عموی بزرگ وار خویش، حضرت عباس علیه السلام می فرماید: «عموی ما عباس بن علی علیه السلام ، بصیرتی نافذ و بینشی عظیم و ایمانی شدید داشت. در محضر امام حسین علیه السلام به جهاد برخاست و در راه حضرتش جانبازی و ایثاری تمام نمود و به شهادت رسید».

حضرت عباس علیه السلام در بیان امام سجاد علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام ، درباره مقام والای حضرت عباس علیه السلام در بیانی رسا می فرمایند: «در روز قیامت، حضرت عباس علیه السلام چنان مقامی در راه خدا خواهد داشت که تمامی شهیدان به آن غبطه می خورند». این تعبیر، به خوبی حکایت از والا مقامی سردار بی همتای کربلا دارد؛ چرا که هر شهید را مقامی بلند و رفیع است و کسب افتخاری دو چندان در مقابل چنین رقیبان بلندمرتبه ای، به معنای برخورداری از افتخاری سترگ و شأنی بسیار بالا به شمار می رود.

عباس علیه السلام در کلام سیره نویسان

سیره نویسان، مقام و منزلت پسر ام البنین علیهاالسلام را چنین نوشته اند: «عباس چون کوهی بلند و قلبش همانند کوه مستحکم بود، چرا که او یگه سواری بلند همت و قهرمانی سلحشور بود و در میدان پیکار و جنگ با دشمنان، با جرأت بی بدیلی، سنگین ترین ضربه ها را بر آن ها وارد می ساخت و با بی باکی شگفت آوری، آن ها را سرکوب می کرد».

گوشه ای از زیارت نامه حضرت عباس علیه السلام

امام صادق علیه السلام در زیارت نامه ای خطاب به حضرت ابوالفضل علیه السلام ، فضایل آن حضرت را برمی شمرد که قسمتی از آن چنین است: «سلام خدا، فرشتگان مقرب، پیامبران، بندگان شایسته، شهیدان، راستگویان و دروهای پاکیزه و پاک در هر بامداد و پسین بر تو ای فرزند امیرمؤمنان. گواهی می دهم براین که تو تسلیم بودی و تصدیق نمودی و نسبت به یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله و نوه برگزیده او وفاداری خود را ثابت کردی. تو همان راهی را رفتی که جنگجویان بدر و پیکارکنندگان در راه خدا و خیرخواهان او در پیکار دشمنانش و کوشایان در یاری دوستانش رفتند. تو هیچ گاه سستی نورزیدی و سرنتافتی و به راهی که رفتی، آگاهی و بینایی کامل داشتی. سلام بر تو و رحمت خدا و برکات و آمرزش و خشنودی اش بر روح و جسم پاکت باد».

ماه درخشان

ای حرمت قبله حاجات ما	یاد تو تسبیح و مناجات ما
تاج شهیدان همه عالمی	دست علی ماه بنی هاشمی
ماه کجا، روی دل آرای تو	سرو کجا، قامت رعناي تو
ماه و درخشنده تر از آفتاب	مشرق تو جان و تن بوتراب

هم قدم قافله سالار عشق ساقی عشاق و علمدار عشق
مکتب تو مکتب عشق و وفاست درس الفبای تو صدق و صفاست

ادب تولد

یکی از شاعران نکته سنج، با نگاهی به سال روز تولد حضرت عباس علیه السلام که در چهارم شعبان و مقایسه آن با تولد امام حسین علیه السلام که در روز سوم شعبان است، آن را نشانی از ادب عباس علیه السلام دانسته و چنین سروده است:

مطلع شعبانِ همایون اثر بر ادبِ توست گواهی دگر
سوم این ماه که نور امید شششعه صبحِ حسینی دمید
چارم این مه که پر از عطر و بوست نوبت میلادِ علمدار اوست
ای به فدای تو و جان و تنت این ادبِ آمدن و رفتنت
روز شهادت قدمی پیش تر وقت ولادت قدمی پشت سر

سلام بر فرمانده

سلام بر عباس پسرعلی علیه السلام ، دلاورمرد بی همتا. سلام بر آن که همگان را درس وفا و ایثار آموخت. سلام بر حامی ولایت و مدافع امامت. سلام بر ماه مدینه و صفحه درخشان کتاب تاریخ. سلام بر فرمانده سپاه حسین علیه السلام . سلام بر آن که امام زمانش ندای «فدایت گردم» را ارزانی او داشت. سلام بر او که امان از امان نامه دشمن برید و هیچ گاه حسین را تنها نگذاشت، مگر آن هنگام که به مولای حسین علیه السلام پیوست.

عباس علیه السلام اسوه وفا

«عباس اسوه فرماندهان و الگوی پرچمداران است، در وفا و اخلاص، در ایمان و جهاد، در استقامت و پایداری، در فتوّت و جوانمردی، در اطاعت از امام خویش، و در هر خصلت نیک و صفت ارزشمندی که کرامت یک انسان به آن بسته است.

آموزگار عشق و وفاست، و الهام بخش صبوری و ایثارگری و بزرگواری. نمونه بارز روح بلند و خدایی، یک جان برکف عاشورایی است، که نگاه علی بر نگاهش گره خورده و روح علوی و شور حسینی در جان و سر و سینه اوست».